

باسمه تعالی

- دوم: موصوف به «حُسن و قبح» ۱
- مقدمه: تقسیمات فعل ۱
- نظر مشهور: فقط فعل ارادی اختیاری متّصف به حُسن و قبح می‌شود ۲
- نظر مختار: برخی از اقسام فعل ارادی غیر اختیاری نیز متّصف به حُسن و قبح می‌شوند ۲

موضوع: حجج و امارات / قطع / حسن و قبح

خلاصه مباحث گذشته:

در جلسه قبل بحث از جهت نهم یعنی حُسن و قبح شروع شد. گفته شده در مقدمه چند نکته باید توضیح داده شود که نکته اول تعریف و اقسام حُسن و قبح به اتمام رسید. در این جلسه، نکته دوم یعنی موصوف به حُسن و قبح بررسی می‌شود.

دوم: موصوف به «حُسن و قبح»

گاهی ذوات متّصف به حُسن و قبح شده و گاهی نیز افعال متّصف به حُسن و قبح می‌شوند. اتّصاف ذات به حُسن و قبح مانند «وجه زید حسن او قبیح»، و یا «این دست خطّ یا تابلو زشت است». این قسم از حُسن و قبح از محلّ بحث خارج است (حُسن و قبح در این موارد، ممکن است در معنای دیگری غیر از معنای محلّ بحث به کار رفته باشد، و ممکن است همان معنی محلّ بحث به نحو استعمال مجازی در این موارد نیز به کار رفته باشد).

به هر حال بحث در حسن و قبحی است که افعال به آن متّصف می‌شوند. به عنوان مثال «ردّ امانت» فعلی است که متّصف به حُسن شده، و «خیانت در امانت» فعل قبیح است.

مقدمه: تقسیمات فعل

برای اینکه بیان شود کدام دسته از افعال متّصف به حُسن و قبح می‌شوند، باید ابتدا انقسامات فعل بیان شود. فعل تقسیم به «ارادی» و «غیر ارادی» می‌شود. «فعل ارادی» فعل مسبوق به اراده است. مراد سبق رتبی است؛ زیرا فعل و اراده در یک آن محقّق می‌شوند به این دلیل که اراده در سلسله علل فعل است (بین علّت و معلول نیز فاصله زمانی نیست). به عنوان مثال راه رفتن، نشستن، ایستادن، خوردن، تکلم، از افعال ارادی انسان هستند؛ «فعل غیر ارادی» مسبوق به اراده نیست مانند تمام «افعال صادره از اشیاء فاقد شعور»، و یا «حرکت قلب» و یا «حرکت شش» در انسان، و یا «حرکت ید مرتعش» که این افعال فاعل بالاراده ندارند. حرکت دست مرتعش علّتی دارد، که فاعل بالاراده نیست.

«فعل ارادی» نیز تقسیم به «اختیاری» و «غیر اختیاری» می‌شود. «فعل ارادی اختیاری» یک فعل ارادی است که فاعل آن را قصد کرده است. به عنوان مثال اگر کسی سنگی را به قصد اصابه به درخت به سمت درخت پرتاب کند و سنگ به درخت اصابه نماید، فعل «اصابه سنگ به درخت» یک فعل ارادی اختیاری است؛ «فعل ارادی غیر اختیاری» نیز فعلی ارادی است که بدون قصد باشد. به عنوان مثال اگر در مثال فوق سنگ اشتباهاً به سر زید برخورد نماید، فعل «اصابه سنگ به سر زید» یک فعل ارادی غیر اختیاری است.

بنابراین در مجموع سه دسته از افعال وجود دارد (یعنی فعل غیر ارادی؛ و فعل ارادی اختیاری؛ و فعل ارادی غیر اختیاری)، و بحث در این است که کدام دسته متّصف به حُسن و قبح می‌شوند.

نظر مشهور: فقط فعل ارادی اختیاری متّصف به حُسن و قبح می‌شود

در نظر مشهور، تنها فعل ارادی اختیاری متّصف به حُسن و قبح (عقلی یا عقلانی یا عرفی) می‌شود. یعنی فعل ارادی غیر اختیاری، متّصف به حُسن و قبح نمی‌شود. به عنوان مثال اصابه سنگ به سر زید در مثال فوق، نه حُسن است و نه قبیح است. البته تمام افعال ارادی اختیاری نیز متّصف به حُسن و قبح نمی‌شوند، بلکه ممکن است یک فعل ارادی اختیاری نیز نه حُسن و نه قبیح باشد (مانند زدن سنگ به درخت در صورت اصابه به درخت).

نظر مختار: برخی از اقسام فعل ارادی غیر اختیاری نیز متّصف به حُسن و قبح می‌شوند

به نظر می‌رسد نظر مشهور در این مقدار صحیح است که فعل ارادی اختیاری می‌تواند متّصف به حُسن و قبح شود؛ اما یک قسم از اقسام فعل ارادی غیر اختیاری نیز می‌تواند متّصف به حُسن و قبح شود. توضیح اینکه «فعل ارادی غیر اختیاری» تقسیم به دو قسم می‌شود؛ زیرا خطای در قصد، گاهی خارجی و گاهی ذهنی است:

الف. خطای خارجی: اگر کسی تیری به سمت زید پرتاب نماید به قصد اصابه به زید، اما اشتباهاً اصابه به عمرو نماید (نه به شخصی که قصد کرده بود تیر به آن اصابه نماید)، در این صورت خطای خارجی رخ داده است. در مواردی از فعل ارادی غیر اختیاری که خطای خارجی رخ داده، این فعل متّصف به حُسن و قبح نمی‌شود.

ب. خطای ذهنی: فرض شود شخصی یک تیر به سمت زید پرتاب نماید به قصد اصابه به زید، و تیر به همان شخص که قصد کرده بود برخورد نماید، اما وقتی نزدیک رفت معلوم شود آن شخص عمرو بوده است. در این صورت خطای در ذهن وجود داشته نه در خارج، زیرا تیر در خارج به همان شخصی اصابه نموده که قصد شده بود.

۱. مراد از فعل در این تقسم، معنای فلسفی آن یعنی مقوله «أن يفعل» نیست؛ بلکه مراد معنای عرفی است. لذا اصابه سنگ به درخت فعل شخص پرتاب کننده محسوب می‌شود هر چند از آن مقوله نباشد.

«فعل ارادی غیر اختیاری دارای خطای ذهنی» نیز دارای دو قسم است؛ زیرا گاهی آن دو فعل، اختلاف در حُسن و قبح داشته و گاهی اشتراک در حُسن و قبح دارند. به عنوان مثال اگر در مثال فوق زید فردی «محقون الدم» و عمرو فردی «مهدور الدم» باشد، اختلاف در حُسن و قبح وجود دارد (زیرا قتل زید امری قبیح است، اما قتل عمرو قبیح نیست)؛ و اگر هر دو «محقون الدم» باشند، اشتراک در حُسن و قبح وجود دارد. در صورت اختلاف در حُسن و قبح نیز آن فعل متّصف به حُسن و قبح نمی‌شود، اما در صورت اشتراک، متّصف به حُسن و قبح می‌شود.^۱ بنابراین اگر هر دو «محقون الدم» باشند و عمرو کشته شده باشد، این قتل فعلی قبیح است (هرچند این قتل ارادی غیر اختیاری است، اما متّصف به قبح می‌شود).

در نتیجه اگر فعل ارادی غیر اختیاری دارای خطای ذهنی بوده و دو فعل اشتراک در حُسن و قبح داشته باشند،^۲ در این صورت این فعل نیز متّصف به حُسن و قبح می‌شود.

۱. همانطور که در بحث تجرّی توضیح داده شده، سرّ مطلب در این است که قتل زید «بما هو زید» قبیح نیست، بلکه «بما هو قتل محقون الدم» قبیح است؛ فقط در ذهن اشتباهی رخ داده و عمرو «محقون الدم» کشته شده است. قبح تجرّی نیز به همین بیان توجیه شده است.

۲. اشتراک در حُسن و قبح نیز باید به سبب عنوانی واحد باشد که بر دو فعل منطبق می‌شود. در مثال فوق «قتل انسان محترم» عنوانی است که بر قتل زید و بر قتل عمرو منطبق است.